

The Role of Religion in Civilization making¹

Homayoon Rahbaran¹, Rashid Rakabiyani², Hassan Reza Ariyae Rad³

1. PhD., Student, Department of Political Science, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran.
rahbaran14@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd; Member of the Association for Political Studies, Qom, Iran (**Corresponding Author**). ra.recabian@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.
Ar.hasan@gmail.com

Abstract

This study aims to investigate the relationship between religion and civilization. The research method is descriptive-analytical, and the results showed that with all the movements of civilizations, religion has been an influential and critical factor in producing, cultivating, and achieving civilization. The history of religions and divine prophets in the Holy Qur'an has stated the development of civilization. Because religion leads human beings to a cohesive and orderly social society, away from dispersion and disorder, and by presenting transcendent rationality, it advances human beings on the path to happiness and well-being. Therefore, considering the religious principles of civilization, we find that in the great civilizations, social activities, political, economic, moral, intellectual, and philosophical experiences arose from a kind of religious view and religious orientation, and for Islamic society, reaching civilization, return and action, it is based on Islamic teachings.

Keywords: Religion, Civilization, Civilization making, Science, Rationality, Economic Development.

1. **Received:** 2021-03-01 ; **Revision:** 2021-12-30 ; **Accepted:** 2021-12-31

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نقش دین در تمدن‌سازی^۱

همایون رهبران^۱، رشید رکابیان^۲، حسن رضا آریایی‌راد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران. rahbaran14@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران (نویسنده مسئول). ra.recabian@gmail.com
۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران. Ar.hasan@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه دین و تمدن می‌باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که با همه رفت و آمد تمدن‌ها، دین عاملی مؤثر و کلیدی در تولید کردن، پرورش دادن و به ثمر رساندن تمدن بوده است. تاریخ ادیان و انبیای الهی در قرآن کریم، بسط تمدن را بیان کرده است. چراکه دین بشر را به سوی برپایی اجتماعی منسجم و منظم و بدور از پراکندگی و بی‌سامانی رهنمون شده و با ارائه عقلانیتی متعالی، انسان‌ها را در مسیر نیل به سعادت و رفاه، به پیش می‌راند. لذا، با در نظر گرفتن مبادی مذهبی تمدن درمی‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ، فعالیت‌های اجتماعی، تجارب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی، برخاسته از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی بوده و برای جامعه اسلامی، رسیدن به تمدن، بازگشت و عمل به آموزه‌های اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: دین، تمدن، تمدن‌سازی، علم، عقلانیت، توسعه اقتصادی.

۱. رهبران، همایون؛ رکابیان، رشید؛ آریایی‌راد، حسن رضا (۱۴۰۰). نقش دین در تمدن‌سازی. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۵): ص ۱۵۱-۱۷۰.

DOI: 10.22034/sm.2021.526141.1678

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

۱. مقدمه

ادیان همواره در تاریخ بشر تمدن‌ساز بودند که البته این تمدن‌سازی نیز درجاتی دارد، بعضی ادیان توحیدی مانند اسلام، یهود و مسیحیت بیشتر در این زمینه موفق بودند. به همین دلیل اغلب دانشمندان در بررسی تمدن و عوامل آن، دین را از عوامل و عناصر تمدن‌ساز به شمار آوردند و این بدان جهت بوده که تاثیر دین در جوامع بشری یک واقعیت انکارناپذیر است، یعنی دین گذشته از اینکه خود را آسمانی و منتسب به موجود برتر می‌داند، در طول تاریخ و اعصار، در گستره عمر آدمی تاثیرات عمیق و شگرفی بر جوامع بشری و به خصوص پیروان خود در زمینه عقل‌گرایی، عدالت، علم‌گرایی و... داشته است. وقتی تمدن‌های گذشته قبل از اسلام مورد مطالعه قرار می‌گیرد، می‌توان نقش دین را در این تمدن‌ها مشاهده کرد. نقش دین زرتشت در تمدن ایران باستان (نیبرگ، ۱۳۵۹: ص ۳۲۸)، دین در تمدن مصر در هر یک از مراحل، و به هر شکل از اشکال آن، از توت‌م تا فلسفه الهی و علم لاهوت، در آن سرزمین وجود داشت و اثر آن در ادبیات و شکل حکومت و هنر، و هر چیز دیگری جز اخلاق، آشکار بود (ر.ک.: دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱). تمدن بین‌النهرین خواستگاه ادیان الهی و پیامبران بزرگی بود (بهمنش، ۱۳۶۹: ص ۳۶۲) و با ظهور دین اسلام، تمدنی در این منطقه از جهان ایجاد شد که تمدن‌های دیگر را تحت تاثیر قرار داد و آنها را در خود ادغام نمود. بدین سبب در بررسی مسایل اجتماعی و انسانی، نادیده گرفتن عامل دین، به هر علتی که باشد، بی‌شک تعصب جاهلانه و مخالفت با حقایق تاریخی و عینیت خارجی تلقی خواهد شد. لذا، جوامع همه دارای پیامبر بودند ﴿وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ...﴾ (یونس، ۴۷)، «امتی نبوده، مگر اینکه پیامبری در میان‌شان وجود داشته است». با توجه به اطلاعات قرآنی و روایی از زندگی انبیاء، به طور حتم می‌توان گفت جوامعی که انبیاء در آن می‌زیستند، به هیچ وجه غیرمتمدن و ابتدایی نبوده‌اند. این جوامع، چه از لحاظ معنوی و چه از لحاظ مادی، دارای تمدن و فرهنگ بوده و فرهنگ انبیاء بر آنها حاکم بوده است. با توجه به این مقدمه، تحقیق حاضر به بررسی نقش دین در تمدن‌سازی می‌پردازد.

۲. مفاهیم و چارچوب نظری

تمدن فقط کمال مادی نیست، بلکه وصول به کمال، اخلاق و ملکات انسانی نیز است. اگر تکامل معنوی و مادی و کمال ابدی مد نظر باشد، در آن صورت نقش دین و مجاهدات پیامبران را در گسترش این مدنیت خواهیم یافت. از طرف دیگر، تمدن‌سازی فرایندی تدریجی بوده است، اما از آنجا که انبیاء الهی و

ادیان توحیدی گویای یک دعوت بوده‌اند، با ظهور آنها این حرکت تدریجی شتابی جهش مانند به خود گرفته است. از آن جهت که پیامبران بنیان‌گذاران ایمان و اخلاق بوده‌اند، در سایه رسالت آنها، انسان‌ها نوعی الفت و اطمینان نسبت به یکدیگر پیدا می‌کردند و این همزیستی مسالمت‌آمیز، شرط ایجاد و بقای تمدن است. از این رو باید پیامبران را سازندگان اصلی تمدن‌ها دانست. لذا، دین پایه تمدن‌هاست؛ تمدن‌ها حول یک محور عقلانیت حرکت می‌کنند که آن عقلانیت، غالباً عقلانیت دینی است. این ادیان (به خصوص ادیان الهی) هستند که مادر تمدن‌ها می‌باشند. بنابراین، در اولین مرحله باید یک عقلانیت پایه محور عمل قرار گیرد. دوم اینکه، گروه و جماعتی حول آن عقلانیت اجتماع کنند و در مرحله سوم برای بقای این اجتماع مولفه‌هایی مورد نیاز است که قوام، ثبات و توسعه آن اجتماع منوط و مربوط به آن مولفه‌هاست. این مولفه‌ها با توجه به تعاریف مختلفی که از تمدن ارائه خواهد شد، عبارتند از حکومت، علم، اخلاق، فرهنگ، امنیت، عدالت، آزادی و دیگر مولفه‌ها.

در ارتباط با مقوله دین و تمدن و رابطه این دو با یکدیگر، همیشه نزد اصحاب اندیشه مباحث و پرسش‌های فراوانی مطرح بوده و هرکس به طریقی درصدد پاسخ به این پرسش‌ها برآمده است. مک آیور تاریخ تمدن بشر را مجموعه‌ای از آغازها، فرازها و زوال‌ها می‌داند و غرب را هم از این قاعده مستثنی نمی‌بیند. کنت گوینو^۱ فیلسوف معروف فرانسوی، برخی از نژادها (نژاد شمالی) را موتور محرک تاریخ می‌داند. وی معتقد است بعضی از نژادها استعداد تمدن‌آفرینی دارند و بعضی دیگر فاقد آن هستند. بعضی قدرت تولید علم، فلسفه، صنعت و... دارند (کریمی، ۱۳۶۱: ص ۶۱). از نظر توینبی، تمامی تاریخ بشر یا کل فرآیند یک تمدن، به عدل الهی خلاق منتهی می‌شود. به اعتقاد وی، مسیحیت هدف نهایی تاریخ بشر و بالاترین حد خیر برای بشر روی کره زمین است (سوروکین، ۱۳۷۷: ص ۱۴۸). ویل دورانت، منظم‌ترین سازمان‌ها و سودمندترین تشکیلات و تأسیسات را مدیون دین می‌داند (دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳). از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۶۸: ص ۴۷). ابن خلدون مؤلفه‌های مدنیت را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت دانسته است (ابن‌خلدون، ۱۳۶۹: ص ۶۷). هانری کربن ظهور امام (ع) را عین تجدید حیات تمدن می‌داند و معنای عمیق اندیشه شیعی غیبت و ظهور

1. Arthur de Gobineau

امام نیز جز این نیست (کربن، ۱۳۷۷: ص ۱۰۵). در نظریه موج سومی تافلر،^۱ دانایی، عامل اصلی بنیادین و زیربنایی است (تافلر، ۱۳۸۵: ص ۷۸). هانتینگتون معتقد است: اسلام تنها تمدنی است که بقای غرب را با تهدید مواجه کرده و دست‌کم دو بار در این امر موفق بوده است (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ص ۳۳۵). مک آیور، اسلام‌شناس غربی، آینده بشری را براساس جهان‌بینی اسلامی این‌گونه تشریح می‌کند: اسلام براساس این پیش، آینده جوامع بشری را نیز تفسیر می‌کند (سوروکین، ۱۳۷۷: ص ۵۶).

از دیدگاه اندیشمندان مسلمان، تمدن را ادیان به وجود آوردند و آینده تاریخ، نه ابتر و ناتمام است و نه ناکام، بلکه انسان‌ها با فطرت کمال‌جویی و آرمان‌خواهی که دارند، به سمت و سوی تکامل فکری، اخلاقی و معنوی پیش می‌روند (مطهری، ۱۳۸۸: ص ۵۹). در نظر امام خمینی، مهم‌ترین عنصر تمدن، نه در نمادهای فیزیکی آن، بلکه در توان انسان‌سازی آن یعنی بُعد معنوی و دینی آن نهفته است (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۸، ص ۳۶۸). بن‌بسی اندیشمند مسلمان معاصر معتقد است، دین خمیرمایه و جوهر اصلی تمدن است و بدون وجود اندیشه دینی، ترکیب عناصر تمدنی و تولید تمدن اساساً امکان‌پذیر نیست.

دستاورد انبیای الهی در جهت تمدن‌سازی برای بشریت از دیدگاه دانشمندان و فرهیختگان غرب، امری انکارناپذیر و قطعی است. ویل دورانت، توینبی سمز کلر،^۲ گوستاو لوبون،^۳ کریشنان^۴ و بسیاری از دانشمندان بزرگ غرب، انبیای الهی را در تمدن‌سازی، پیشگام‌ترین انسان‌ها (توینبی، ۱۳۷۶: ص ۲۰۲-۲۰۷) و مذهب را اولین عامل در به وجود آوردن نظم تمدن دانسته‌اند (حجازی، ۱۳۵۲: ص ۲۵). کریشنان دین را باطن و اساس تمدن می‌داند (همان: ص ۵۷).

از نظر علی شریعتی، تمدن مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه است (شریعتی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۵). جوادی آملی ایجاد یک تمدن را فرآیندی می‌داند که براساس رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳). زرین‌کوب نیز در کتاب *کارنامه اسلام*، از تمدن اسلامی صحبت می‌کند ... آنچه فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان مدیون است ... (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۲۱). حسن حنفی از تمدن اسلامی در زمینه‌های علوم

-
1. Toffler
 2. Arnold Joseph Toynbee
 3. Gustave Le Bon
 4. Ramya Krishnan

نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی و علوم نقلی دیگر مانند اصول دین، اصول فقه، فلسفه و عرفان، صحبت می‌کند (حنفی، ۱۳۷۹: ص ۲۶۸). سید حسین نصر نیز جامعه مدینه النبی و معیارهای آن را کامل‌ترین الگوی تمدنی برای تمدن اسلامی می‌داند. نظریه تمدنی قرآن کریم منشاء کلیه نظریات تمدنی متفکران مسلمان است. قرآن کریم پایان و انجام جهان را از آن صالحان می‌داند (انبیاء، ۱۰۵) و آنانی را که در دنیا به استضعاف کشیده شده‌اند، پیشوایان انسان‌ها و وارثان زمین می‌انگارد (قصص، ۵) و تمام این تغییرات را از مصادیق وعده خویش مبنی بر پیروزی حق بر باطل برمی‌شمرد (اسراء، ۸۱؛ سباء، ۳۳). با تأمل در نظریات دانشمندان، دین عامل تمدن‌ساز است.

تعریف تمدن: واژه تمدن^۱ در عربی از «مدن» اخذ شده که معنای آن اقامت کردن است (ولایتی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۳۳). این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنی شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است که دستاورد شهرنشینی است یا برای پیشرفت و ترقی افراد و جمعیت‌هایی که در شهرها زندگی می‌کنند (سپهری، ۱۳۸۹: ص ۳۵). یونانیان با استفاده از واژه civilization شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. در فرهنگ فارسی، تمدن چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹: ص ۵۳۰).

در تعریف اصطلاحی از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۶۸: ص ۴۷). هنری لوکاس،^۲ تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۹۹: ص ۷). ویل دورانت هم تمدن را یک نظم اجتماعی می‌داند که اخلاق حکم می‌راند (دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳). تعریف مورد نظر در این پژوهش تعریفی است که علامه جعفری بیان کرده‌اند: «تمدن عبارت است از برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که

1. Civilization

2. Henry Lee Lucas

زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد» (جعفری، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۲۳۳).

تعریف دین: دین، واژه‌ای است عربی که در معاجم و کتب لغت، معانی بسیاری برای آن ذکر شده است، مانند ملک و پادشاهی، طاعت و انقیاد، قهر و سلطه، پاداش و جزاء، عزّت و ... در آیات قرآن نیز به معانی لغوی دین اشاره شده و کلمه دین در آیات بکار رفته است و در هر آیه‌ای معنای مخصوصی مانند کیش و شریعت (صف، ۹)، توحید و یگانگی (زمر، ۲) و... استفاده شده است.

در اصطلاح تعاریف دین متعدد هستند. سیسرون^۱ معتقد است: «دین پیوندمایه‌ای است که انسان را به خدا مربوط می‌سازد». کانت دین را به این صورت تعریف می‌کند: «ما تکالیف واجب و ضروری خود را با توجه به اینکه مبتنی بر اوامر الهی است، درک نماییم». اسپنسر^۲ معتقد است «دین عبارت است از ایمان به نیرویی که نتوان مرز پایانی زمان و مکان آن را تصور کرد (ر.ک.: شیخ الاسلام، ۱۳۶۵: ص ۶۰-۶۱). جوادی آملی می‌نویسد: دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۲). تعریف مورد نظر در این تحقیق، تعریف علامه طباطبایی است: «دین، عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند، اعتقاد به این عقاید و انجام این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸، ص ۴۱).

۳. پیشینه تحقیق

وحیدی منش (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان عناصر تمدن‌ساز دین اسلام، به بررسی عناصر تمدنی دین اسلام از قبیل خردگرایی، عدالت، اخلاق و... پرداخته است.

الویری (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی، به نقد نظریات بن نبی پرداخته است.

ولایتی (۱۳۸۱)، در پژوهشی با عنوان نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن، دین را از عوامل و عناصر

1. Cicero

2. Spencer

تمدن می‌داند و این بدان جهت بوده که تاثیر دین در جوامع بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است. مخلصی (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان دین، فرهنگ و تمدن اسلامی، به نقش دین در ایجاد تمدن می‌پردازد. مطالعه تاریخی تمدن‌ها در این پژوهش نشان داد که اول دین به وجود آمد، بعد تمدن، و با توجه به عناصر ایجاد تمدن، دین همه آنها را مورد تاکید قرار داده و بشر را به تمدن‌سازی تشویق کرده است.

۴. رابطه دین و تمدن

برای یافتن الگوی توسعه و تمدن اسلامی، باید به دورکن اساسی این الگو، یعنی انسان و جامعه توجه کرد و رابطه تحولات فردی و اجتماعی با یکدیگر و منشاء تحولات اجتماعی را بررسی نمود. براساس آموزه‌های دینی، اساس تحولات و تغییرات اجتماعی هدفدار در جوامع بشری، شالوده‌روانی و درونی انسان است. محتوای درونی انسان که سازنده ضمیر، باطن یا من فردی انسان است، دارای دو عنصر اصلی اندیشه و اراده می‌باشد. با هماهنگ شدن و درهم آمیختن این دو عنصر با یکدیگر، آرمان‌ها و اهداف انسان در جهان خارج تحقق می‌یابد. از این رو، هرگونه تغییر و تحولی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی، تابع تغییر در اساس روانی و باطنی انسان است. البته رابطه میان این دو تغییر، رابطه‌ای قراردادی نیست که بتوان به دلخواه آن را سامان بخشید، بلکه رابطه‌ای ذاتی از نوع رابطه علت و معلول است (ر.ک.: صدر، ۱۳۵۹: ص ۹۶). براساس آموزه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»، «(اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند (رعد، ۱۱). نگاه دین به تحولات اجتماعی و توسعه و تمدن بشری، بر چنین نگرشی استوار است، زیرا در این آیه به روشنی بیان می‌شود که توسعه و تحول اجتماعی، مبتنی بر تحول درونی و روانی افراد است. البته این تحول باید در سطحی فراگیر و گسترده انجام گیرد تا به تحولات در جامعه منتهی شود. لذا، تحول درونی، یک تحول بنیادین بوده و تحولات دیگر، همه از آن نشأت می‌گیرند. لذا، دین در درازای تاریخ به گونه‌ای برای شکل‌گیری تمدن دست انسان را گرفته و خدمات بسیاری به انسان و جامعه انسانی کرده است تا ارکان، بسترها و زمینه‌های تمدن برای بشر فراهم آید، از جمله این ارکان که دین در ساخت آن در دو حوزه مادی و معنوی نقش داشته عبارتند از:

۴-۱. جامعه‌سازی و حکومت‌سازی

تشکیل اجتماع و جامعه، سنگ زیرین و بستر اصلی پیدایش تمدن است. تا اجتماع فراهم نباشد و

شکل‌نگیرد و کاخ آن برافراشته نگردد، هیچ عنصر تمدنی پدید نمی‌آید (یونگ، ۱۹۶۱م: ص ۱۲۴). روح اجتماعی، مذهب را یکی از مشترکات ادیان می‌داند. دورکیم^۱ معتقد است: فرق جادو و مذهب در این است که جادو به طرف (فردیت) و مذهب به طرف (جمعیت) حرکت می‌کند. شریعتی می‌نویسد: جامعه‌شناس و تاریخ جامعه‌شناسی به یک نتیجه می‌رسند و آن اجتماعی بودن روح مذهب است. حتی مذاهب عرفانی و آخرت‌گرا، مذاهبی اجتماعی و امت‌ساز و جامعه‌ساز هستند (شریعتی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۶۷). پژوهشگران تاریخ جملگی بر این نظرند که اجتماع بشری بر اثر عقاید مذهبی پدید آمده است. از تحقیق در قدیمی‌ترین عقاید پیشینیان بر ما مسلم شد که مذهب ایشان در بدو امر مبتنی بر پرستش نیاکان بوده و ایجاد خانواده و وضع قوانین اولیه، نتیجه همین مذهب بوده است (کولانز، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸). برای نمونه می‌توان به کنت و. فلنری^۲ - و رابرت درنان^۳ اشاره کرد که از عنصر دین در تشکیل جوامع نخستین سخن گفته‌اند: دین و آداب و شعایر برای تشکیل نخستین مجموعه جوامع پیش از کریستف کلمب نظیر تمدن اولمک^۴ - در مکزیک نقش حیاتی داشته است (میرجاه، ۱۳۷۵: ص ۳۷۳) «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»، «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!» (انبیاء، ۹۲). اختلاف‌های ناشی از خون، نژاد، ملیت، حدود جغرافیایی یا طبقاتی را درهم می‌شکند و همه انسان‌ها را در یک واحد فکری و جغرافیایی الهی قرار می‌دهد: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...»، «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند...» (بقره، ۲۱۳). بن‌بی معتقد است که در واقع این خداوند و دین آسمانی بوده که روابط اجتماعی بین انسان‌ها را شکل می‌دهد.

در فرایند جامعه‌سازی، هر اندازه عقاید و نمادهای دینی گستره بیشتری یافته، به همان نسبت اجتماع‌های بشری گسترش پیدا کرده است. وقتی ادیان الهی در میان بشر ظهور کرد، زمینه برای پایه‌گذاری

1. Durkheim
2. Kent.v. Flannery
3. Robert Drennan
4. Olmec

و تأسیس اجتماع‌های بزرگ و یکپارچه پدید آمد. در چنین شرایطی این اجتماعات نیاز به حاکمانی دارند که بستر کمال آنها را فراهم نماید. لذا، هر پیامبری بر پایه قوانین و وحی، امتی قانونمند را سامان می‌داد. در این میان شماری از پیامبران الهی مانند حضرت داود و سلیمان و پیامبر اسلام (ص) توفیق یافتند در بخش بزرگی از زمین حکومت واحد برپا کنند و مردمان بسیاری را در قلمرو یک دولت بزرگ گرد آوردند. در مباحث دین‌پژوهی و باستان‌شناسی بسیاری کسانانی که بر این باورند پیدایی دولت‌ها و پدیده شهر و شهرنشینی رهیافت آیین‌ها و دین‌ها است. بر این اساس منشاء دولت‌های قدرتمند، اصول و عقاید دینی است که به وسیله نبوت و دعوت به حق حاصل می‌گردد، زیرا تشکیل کشورها و تمدن‌ها از راه غلبه و قدرت امکان‌پذیر است و این قدرت و غلبه از طریق تألیف قلوب مردم در جهت استقرار و انتشار دین خدا حاصل می‌گردد. اگر مردم شیفته دنیا و باطل‌گرا شدند، در مسیر کشمکش و اختلاف قرار می‌گیرند، ولی اگر به حق و راستی گراییدند، نزاع و کشمکش از میان آنها رخت بر بسته، همکاری و تعاون حاصل می‌گردد و دولت رو به وسعت و عظمت خواهد رفت (ابن خلدون، ۱۳۶۹: ص ۳۰۱). مطالعه تاریخی پیرامون حکومت قدرتمند و عدالت‌محور پیامبر اسلام (ص) در مدینه و امیرالمومنین (ع) در کوفه، همچنین وصایای ایشان خطاب به زمامداران حکومتی در نهج‌البلاغه، توانایی و کارایی دین اسلام را در استقرار بهترین نوع دموکراسی در جهان آشکار می‌کند. چرا که ساختار سنتی قبیله‌ای در جامعه پیش از اسلام که ویژگی‌هایی چون خشونت‌گرایی در اشکال مختلف آن، همچون چپاول، حمله به افراد دیگر، جنگ و کشتار (ر.ک.: ابن‌کثیر، ۱۹۶۶: ج ۷، ص ۴۲)، اسطوره‌گرایی و رواج خرافات (ر.ک.: بلاشر، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۵)، انحطاط اخلاقی و فرهنگی، محدودیت منابع اقتصادی، محدودیت زیستگاه‌های مناسب زندگی و مهاجرت (ر.ک.: جعفریان، ۱۳۷۵: ص ۱۵-۱۶)، داشت، مانعی برای توسعه و تمدن به شمار می‌رفتند. پیامبر اعظم (ص) با تشکیل دولتی دینی در مدینه، مدنیت و تمدن اسلام را با اصول و بینش‌های جدیدی پایه‌گذاری کرد. اسلام با تشویق به مدنیت و یکجانشینی و نهی از تعزّب و بدوی‌گرایی (ر.ک.: حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۳۱۸) و تحریم آن (ر.ک.: حائری طباطبائی، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۳۵۳) و مذمت اعراب بادیه‌نشین به دلیل دوری از احکام و حدود الهی، «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»، «کفر و نفاق بادیه‌نشینان عرب شدیدتر است و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حکیم است!» (توبه، ۹۷)، شرایط و زمینه‌های ظهور فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم ساخت. اسلام که در جامعه‌ای شهری ظهور کرد و در

مدینه استقرار یافت، کاملاً با زندگی شهری تناسب داشته و دارد (رک: ترنر، ۱۳۸۰: ص ۸۰). بر این اساس پیامبر اکرم (ص) با اعلام اولین پیمان‌نامه عمومی یا قانون اساسی مدینه (رک: ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۳۷-۱۵۰) نظام شهروندی جدیدی را با معیارهایی نوین مطرح ساخت و بدین وسیله، ضمن سامان بخشیدن به اوضاع اجتماعی، جامعه را به سوی وحدت تازه‌ای رهبری فرمود. با پیمان اخوت، مرزهای دینی، جایگزین مرزهای قبیله‌ای و خانوادگی شد (همان: ص ۹۲). لذا، پیامبر (ص) با هجرت خود، گذار از مرحله تبلیغ اسلام به مرحله تثبیت و استقرار دولت اسلامی را آغاز کرد و سبب ایجاد تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه اعراب شده، منجر به پدید آمدن تمدن اسلامی شد (رک: عبدالجلیل، ۱۳۶۳: ص ۱۱۵).

۴-۲. امنیت و نظم

یکی از خواسته‌های اساسی بشر امنیت بوده و تأمین آن از مهم‌ترین وظایف حکومت‌هاست و یکی از نقش‌های دین در ایجاد تمدن و تداوم آن، نظم و امنیت‌آفرینی اوست. نظم و امنیت مرهون دین است. ویل دورانت می‌گوید: «تمدن، زمانی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد، چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به‌کار می‌افتد و انسان‌ها خود را تسلیم غریزه می‌کنند که او را به شکل طبیعی در راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد» (دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۶۶). محتمل است که نخستین خدمت دین به جامعه بشری، ایجاد نظم و امنیت بوده است. نظم و امنیت برای تحقق ارکان تمدن ضروری می‌باشد. از یک طرف در فطرت انسان تعبیه شده و از سوی دیگر، دین ضمانت تحقق آن را بر عهده دارد. این نکته را هم طرفداران دین و هم مخالفان آن ابراز و اظهار کردند. ماکیاول^۱ یکی از آنهاست که می‌گوید: «هر کس که به دقت تاریخ رم را مطالعه کند، ملاحظه خواهد نمود که تا چه حد پایه مذهب در فرماندهی سپاهیان، در یگانگی مردم و ترغیب آنان به کارهای خوب و شرمسار کردن تبهکاران، مؤثر بوده است. در حقیقت نمی‌توان هیچ قانون‌گذار بشری را پیدا کرد که به مراجع الهی توسل نجسته باشد، زیرا در غیر این صورت، هرگز قوانین آن مورد اقبال مردم قرار نمی‌گرفته است» (شیخ‌الاسلام، ۱۳۶۵: ص ۵۸). در فقه اسلامی شدیدترین

1. Machiavelli

مجازات‌ها برای اخلال‌گران امنیت اجتماعی اعتبار شده است. پیامبر اکرم (ص) اقدامات متعددی در راستای تأمین امنیت انجام داد: انعقاد قرارداد صلح با همسایگان، امضای پیمان مسالمت‌آمیز با یهودیان مدینه، عقد برادری میان اوس و خزرج، پیمان همبستگی ملی مسلمانان، تلاش در راستای پیوند برادری میان مسلمانان، اهتمام به وحدت و همدار نسبت به پیامدهای تفرقه از جمله آنهاست. امنیت از دو جنبه قابل بررسی است: امنیت سیاسی و امنیت اقتصادی. امنیت سیاسی بر مبنای حکومتی دادگر و مبتنی بر عقلانیت، پایه‌گذاری می‌شود. حضرت ابراهیم (ع) وقتی در مکه، خانه خدا را بنا نهاد، دعا کرد: «رب اجعل هذا بلداً آمناً»، «یعنی پروردگارا، اینجا را محل امن و آسایش قرار بده» (بقره، ۱۲۶). قرآن در آیات متعددی به شهر امن بودن مکه به عنوان یک عمارت بزرگ اشاره می‌کند. از طرفی، ماه‌های چهارگانه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) که اسلام بر حرمت آن تأکید جدی دارد، نشانه اهمیت امنیت در نگاه اسلام است (توبه، ۳۶-۳۷؛ حجر، ۴۵). یکی از اموری که اهمیت امنیت را در نگاه اسلام نشان می‌دهد این است که خداوند در قرآن کریم در جاهای متعدد وعده‌ای که به اولیای خود می‌دهد، بهره‌مندی از زندگی امن و آسوده و خالی از خوف و خطر است (حجر، ۴۸). قرآن کریم در آیه ۱۱۲ سوره نحل، نقش ایمان را در امنیت و نقش کفر را در زوال امنیت به صورت زیبایی ترسیم کرده است. بر این اساس، تا امنیت نباشد، کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی‌کند و تا این دو نباشند، کسی علاقه‌مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی‌شود. چنان که داود (ع) در سایه الهامات دینی توانست امنیت را برقرار کند «بَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...» (ص، ۲۶). قرآن کریم امنیت اجتماعی را به مسلمانان یادآور می‌شود و آن را زمینه‌ساز شکر الهی می‌داند (انفال، ۲۶) و جلوه این شکر را عبادت و بندگی خدا قرار داده است (قریش، ۳-۴). یکی از شاخصه‌های حکومت جهانی اسلام که خداوند به آن بشارت داده، استقرار امنیت و از بین رفتن ترس و نگرانی است (نور، ۵۵).

جز این نیست که اگر در جامعه‌ای امنیت برقرار شود، آن جامعه از نظر اقتصادی نیز متحول شده، برکات و نعمت‌ها به سوی آن روانه می‌گردد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ...» (نحل، ۱۱۲)، «خداوند مثل شهری را می‌زند که در امنیت و امان بود و روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید». خداوند برای قریه مورد مثل، سه صفت ذکر می‌نماید که این سه صفت متعاقب یکدیگر هستند: امنیت، اطمینان و رزق. قریه‌ای که دارای امنیت و ایمن از هجوم اشرار و چپاول اموال است، به ساکنان خود اطمینان و آرامش می‌بخشد و آنان مستقر

شده، پراکنده و متفرق نمی‌شوند. در این هنگام است که روزی و برکت به این قریه سرازیر شده و کثرت نعمت، مانع تحمل مرارت و زحمات طاقت فرسای اهل آن در جهت کسب روزی می‌گردد. تمدن جهانی که در قرآن وعده داده شده، دارای دو خصوصیت عمده است: یکی تمکین و استقرار دینی که برای انسان‌ها پسندیده است و دیگری مبدل کردن ترس و تشویق به امنیت و آسودگی، چنان که در قرآن به مؤمنین بشارت داده است (نور، ۵۵).

۳-۴. قانون

قانون از ارکان مهم و بنیادین تمدن به‌شمار می‌رود (دورانت، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۲۸). پیامبران الهی براساس نیاز فطری انسان مجهز به کامل‌ترین قوانین مربوط به زمان خود بوده‌اند (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۵۶). تمام پیامبران از آغاز تا خاتم انبیاء، برای ایجاد نظم اجتماعی، تمام قوانین مربوط به وظایف فردی و اجتماعی را بیان نموده‌اند. این قوانین دقیق و ریز و ظریف، وظایف افراد انسانی را در قبال خود و خانواده و جامعه و هم‌نوعان و محیط زندگی و حاکمان بیان کرده است (همان: ص ۵۸). اندیشمندان و محققان ادیان و جامعه‌شناسی می‌گویند: انسان از ابتدایی‌ترین دوران‌های خود با یک نوع فکر مذهبی همراه بوده و موجودات نامرئی و نامحسوس در ضمیر ساده و ابتدایی وی تاثیر و نفوذ عمیق داشته‌اند. بر این اساس، تمام اخلاق، آداب و عادات سازنده قوانین حاکم بر روابط انسان‌ها طی قرون و اعصار، ملهم از دین بوده است. لذا، قوانین دینی همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را شامل را می‌شود. دین اسلام بهترین و جامع‌ترین قوانین را در برقراری حکومتی متکامل و رشد یافته بازگو کرده است. معیارهای حکومت برقراری عدل، نحوه ارتباط حکومت و مردم، شرایط زمامدار و حقوق متقابل میان حاکم و رعیت، به کرات در گزاره‌های اسلامی مطرح شده است.

۴-۴. علم‌گرایی

علم یکی از اساسی‌ترین رکن‌ها و لایه‌های شکل‌گیری تمدن بوده که در اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است و در قرآن تأکید زیادی بر آن شده است. لذا، قلم را مبدأ پیدایش دانش، تمدن و پیشرفت می‌داند و نزول آیات قرآن با تعلیم و آموختن به وسیله قلم آغاز شد (قلم، ۴). قرآن یکی از اهداف بعثت پیامبر (ص) را تعلیم کتاب و حکمت اعلام کرد (بقره، ۱۵۱) و نیز بر این نکته تأکید می‌کند که اگر پیامبران نبودند، بسیاری از علوم برای همیشه از شما مخفی بود. آنها تنها رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند، بلکه

پیشوای علمی نیز بودند که بدون رهبری آنها، علوم انسانی نضج نمی‌گرفت (ر.ک.: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۱۳) و می‌فرماید: «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»، «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، یکسان‌اند؟ در روایات نیز تأکیدات فراوانی بر این موضوع دیده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم، بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را به کار ببندید. آگاه باشید تحصیل علم واجب‌تر است از تحصیل مال (کلینی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۰). جرجی زیدان علم را مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رکن فرهنگ و تمدن می‌داند (جرجی زیدان، ۱۳۵۲: ص ۳۹۵). انبیای الهی با علم خود باعث توسعه صنعت برای زمان‌های بعد شدند که البته این علم را خداوند به آنها عطاء کرد، از جمله به حضرت نوح (ع) صنعت کشتی‌سازی، به حضرت داوود (ع) صنعت ذوب آهن، «أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ»، «ما آهن را در دست او نرم کردیم» و زره بافی ... در زمان حضرت سلیمان (ع) پیشرفت‌هایی در هنر معماری و حجاری پدید آمد و همچنین امور بازرگانی و توسعه شهرها و تزئینات ساختمانی اهمیتی بسزا یافت (جان الدر، ۱۳۳۵: ص ۷۴). بر این اساس، عوامل مادی و معنوی تمدن بر محور علم استوار بوده و علم نیز از انسان آغاز شده است. براساس تمام کتب آسمانی و قرآن کریم «عَلَّمَ الْآدَمَ الْأَسْمَاءَ...» (بقره، ۱۵)، «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ...» (علق، ۵)، «آغاز علم در زمین که مهد تمدن‌هاست، به وسیله وحی الهی به اولین انسان (اولین پیامبر الهی) بوده است. فرهنگ که جامع علوم و ادیان است، لایه‌های بنیادین تمدن را تشکیل می‌دهد، چنان که بسیاری از دانشمندان منصف غربی به این حقیقت اعتراف نموده‌اند که دین به جامعه و دولت توانایی و کفالت عمیق و استادانه می‌بخشد و مشکلات روحی را رفع می‌کند و نسل‌ها را به هم پیوند می‌دهد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰: ص ۷۸). پس روشن شد که علم، اساسی‌ترین رکن و لایه تمدن، از مهم‌ترین دستاورد انبیای الهی در فرآیند بعثت انبیای الهی بوده است. علم در عرصه تمدن از ریشه وحی آغاز می‌شود. تمام انبیای الهی از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، داود، سلیمان، ادریس و محمد (ص) دستاوردی مهم و زیربنایی به نام علم وحی و علم الهی برای بشریت داشته و به تناسب درک و کشش انسان‌ها و مقتضای زمان خود، به ترویج انواع علوم در عصر خویش پرداخته‌اند و اصولاً یکی از ابزارهای کاربردی آنها تعلیم بوده است. چنان که در سرگذشت ادریس نبی، او را معلم اول نامیده‌اند (مجلسی، ۱۳۷۷: ج ۱۱-۱۲، ص ۲۷۰-۲۸۴) و قرآن نیز پیامبران را معلم معرفی نموده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱).

با نگاهی اجمالی به اوضاع حاکم بر زمان ظهور اسلام، عظمت انقلاب فرهنگی اسلام بیشتر روشن می‌شود. در حالی که در قلمرو دو قدرت بزرگ آن دوران، بخصوص ایران، علم، طبقاتی و کانالیزه شده بود، اسلام از سویی، کلیه طبقه‌بندی‌ها در عرصه دانش اندوزی را برانداخت و فرمود: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (کلینی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۰) و از سوی دیگر، ضمن امحای کانال‌ها، همه را به تدبّر در احوال کائنات و تأمل در آیات الهی دعوت کرد (اعراف، ۱۸۴). اسلام به مسلمانان امر کرد که حتی در برابر کفار زانوی تلمذ بزیند (مجلسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۹۹)، از تن‌پروری و تن‌آسایی بپرهیزد و برای فراگیری علوم، سخت‌ترین گرده‌ها را پشت سر بگذارد (همان: ج ۷۵، ص ۲۷۷) و به دورترین نقاط عالم سفر کنید (همان)، سخنان را خوب بشنوید و بهترین آنها را انتخاب کنید. با این آموزه‌ها استعدادها شکفته شد، مسلمانان به علم و فرهنگ رغبت پیدا کردند و به دنبال دانستن، هم فکر کردند و هم افکار سایر جوامع را ترجمه، نقد، پالایش و تکمیل نمودند.

بدین‌سان، اسلام فرهنگ تساهل در علم‌آموزی را میان مسلمانان ترویج کرد. آنها دیگر اهمیت نمی‌دادند که حکمت، علوم، فنون و صنایع و هنرها را از دست چه کسی یا کسانی می‌گیرند و به وسیله چه کسی ترجمه می‌شود. آنها تعصب‌ها را کنار گذاشتند و برای درک حقیقت و پیشبرد تمدن اسلامی، سخت‌ترین زحمات را متحمل شدند. با این فرهنگ‌سازی، مسلمانان در مدت یک قرن و اندی مطالب و علمی به زبان عربی ترجمه کردند که رومیان در مدت چندین قرن از انجام آن عاجز بودند. آری، مسلمانان در ایجاد تمدن شگفت‌آور خود در غالب موارد به همین سرعت پیش رفته‌اند (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۳۸۴). مسلمانان حتی در فتوحات نیز با مغلوبان متکبرانه برخورد نمی‌کردند و از یافته‌های آنان بهره می‌گرفتند. با این روحیه بود که در همان قرون اولیه، جوامع اسلامی به کانون تجمع اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم مختلف انسانی و طبیعی بدل شد و اندیشمندان زیادی از جوامع مختلف گرد آمدند و یافته‌های خود را به مسلمانان عرضه کردند. مسلمانان نیز بدون آنکه مقهور آنان شوند، آنچه را که سازگار با فرهنگ اسلامی بود، پذیرفته و بسط دادند. بدین‌سان، اسلام مناسب‌ترین زمینه را برای اکتشافات علمی فراهم ساخت (گوستالوبون، ۲۰۰۲م: ص ۱۴۳).

یکی از نویسندگان درباره علل پیشرفت مسلمانان در قرون اولیه می‌نویسد: «آنچه این مایه ترقیات علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمین میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود...» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ص ۲۲).

۴-۵. عقل‌گرایی

یکی دیگر از بنیان‌های اندیشه سیاسی در اسلام، خرد، خردگرایی، عقلانیت محوری و باور به تعقل صحیح است. کارکرد عقل باوری و عقلانیت محوری این است که از سویی، انسان را به شخصیتی آزاد، مختار، مرید و مستقل، پویا و سعادتمند تبدیل می‌سازد که از رسالت، مسئولیت و توان برخوردار بوده و به او کرامت و شرافت ذاتی می‌دهد. بر همین اساس در نگرش سیاسی نیز عقل تصمیم‌گیرنده نهایی است. از سوی دیگر نیز او را موجودی قانونمند و منطقی می‌کند که در راستای تحقق تمدن بر مبنای منطقی و قانون حرکت می‌کند. از عقل در تمدن اسلامی به گونه‌ای حقیقی استفاده می‌شود، با آن بنای فیزیکی تمدن اسلامی ایجاد می‌شود، با آن بین نیاز امروز بشر و چهارچوب‌های ثابت دین پلی زده می‌شود، بدون آنکه یکی به نفع دیگری قربانی گردد. با عقل اسلامی، دین می‌ماند، بدون آنکه منکر نیازهای نو به نوبه بشر باشد و نیازهای نو به نوبه او تأمین می‌شود، بی‌آنکه به دین صدمه‌ای وارد آید. سنت عقلانی اسلامی که از آموزه‌های قرآن متأثر می‌باشد، دارای تنوع خاص خود است، یعنی در زمینه‌های مختلفی چون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، الهیات، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، اخلاق و فلسفه سیاست می‌توان آموزه‌های عقلانی و فلسفی را در قرآن یافت. برای فهم اهمیت بیشتر این مسئله لازم است تا دو نکته مهم ذکر شود:

نخست، قرآن برای اولین بار واژه حکمت را که با فلسفه قرابت بیشتری دارد، به معنای خاصی به کار برده است.

دوم، این کتاب الهی انسان را دعوت اکید به تعقل، خردورزی و تفکر می‌کند که اهمیت اندیشه عقلانی و فلسفی را در قرآن نشان می‌دهد (بقره، ۲۶۹). از سوی دیگر، دعوت به تعقل و تفکر عقلانی نیز از ویژگی‌های بارز قرآن است که منشاء تفکر فلسفی و عقلانی اسلامی شده است (ر.ک.: مانده، ۱۰۴؛ اعراف، ۲۸؛ انبیاء، ۵۳؛ شعراء، ۷۴؛ لقمان، ۲۱؛ زخرف، ۲۲).

۴-۶. توسعه اقتصادی

برخلاف توسعه و تحولی که در بُعد مادی تمدن بشری، با اساس قرار دادن توسعه اقتصادی حاصل می‌شود، الگوی توسعه اسلامی بر تحول و تغییر ابعاد مختلف زندگی انسان، به‌ویژه تحول معنوی و مادی توأمان بوده است: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»، «همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات

می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست!» (حج، ۴۱). توسعه مادی، بدون داشتن رویکردی الهی به طبیعت، جامعه و انسان، موجب نگرش تک‌بعدی به واقعیت‌های خارجی شده، انسان را اسیر ماده و محدود به آن می‌سازد. اهتمام دین به اقتصاد تا آنجاست که خداوند فرموده است: «خداوند شما را از زمین آفرید و مأمور عمران و آبادانی زمین ساخت» (هود، ۶۱). امیرمؤمنان (ع) با استناد به این آیه فرمود: «خدا فرمان آبادانی را به مردم اعلام کرده است تا عمران و آبادانی عامل معیشت و زندگی آنان باشد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۱۹۵). نگاهی به ابواب مختلف فقهی در ارتباط با معاملات همانند تجارت، زکات، خمس، دین، رهن، انفال، تفلیس، حجر، ضمان، حواله، صلح، شرکت، مزارعه، مضاربه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، کفالت، صدقات، وقف، عطیه، هبه، سبق و رمایه، وصیت، جعاله، کفارات، صید و ذباجه، اطعمه و اشربه، غضب، احیای اموات، اشفعه، لقطه، ارث، دیات و صلح بیانگر اهمیت اقتصاد در اسلام است.

رویکرد جدید اسلام به دنیا و تشویق فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌ساز پیدایش جامعه نوین اسلامی و تمدن جدید گردید (ر.ک.: حتی، ۱۳۶۶: ص ۵۰). ارزش و اهمیت تلاش‌های اقتصادی و اجتماعی در اسلام از احکام و مقررات گسترده‌ای که برای تسهیل ارتباطات در معاملات وضع کرده، به خوبی روشن می‌شود (ر.ک.: حقوقی، ۱۳۷۴: ص ۷۸). توجه به کشاورزی که عامل اصلی در تمدن‌سازی انسانی است، از سیاست‌های مهم پیامبر (ص) بوده است (ر.ک.: کلینی، ۱۳۸۶: ج ۵، ص ۲۶۰). حضرت یوسف (ع) در روزگاری که جامعه با تنگناهای اقتصادی و مالی روبه‌رو می‌شود، با الهام و تأیید خداوند، مدیریت و وزارت اقتصادی جامعه را بر عهده می‌گیرد و اقتصاد درهم ریخته جامعه را سامان می‌دهد (یوسف، ۵۴-۵۵) و حضرت داوود (ع) فرهنگ کار و تولید را که تمدن‌سازند را رونق داد. در همین زمینه خداوند می‌فرماید: «به او ساختن زره (لباس جنگ) را آموختیم تا شما را از تأثیر سلاح جنگ نگاه دارد. پس آیا شما سپاسگزارید» (انبیاء، ۸). تلاش و کوشش و کسب ثروت، سبب اقتدار یک ملت می‌شود که به کرات در آموزه‌های دینی بر این مسأله تأکید شده است.

۵. نتیجه‌گیری

رفت و آمد تمدن‌ها از جریانات مستمر در تاریخ است. در طول تاریخ، تمدن‌های متعددی متولد شده، رشد یافته و نهایتاً به انحطاط رسیده‌اند. این امر یکی از سنت‌های مهم الهی بوده و نویدی است به

مستضعفان که نه پیروزی و اقتدار سلطه‌گران جاودانه است و نه محرومیت محرومان از حاکمیت ابدی خواهد ماند: «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». در حیات تمدن‌ها و جوامع، حوادث مطلوب و نامطلوبی رخ می‌دهد که هیچ کدام پایدار نیست. این از خاصیت‌های زندگی و حیات زمینی است که نه رنج‌هایش و نه کامرانی‌هایش، هیچ یک ابدی نخواهد ماند. باید با مطالعه دقیق عوامل و انگیزه‌های صعود و سقوط تمدن‌ها از سنت تحول احوال جامعه براساس عملکرد آن استفاده نمود و ضعف را به قدرت، و ذلت را به عزت تبدیل کرد که زندگی پیوسته در حال تحول و دگرگونی است و تکامل و تعالی جامعه از لابه‌لای این حوادث پدیدار می‌شود. با همه این رفت و آمد تمدن‌ها، دین عاملی مؤثر و کلیدی در تولید کردن، پرورش دادن و به ثمر رساندن تمدن بوده است. تاریخ ادیان و انبیای الهی در قرآن کریم، بسط تمدن را بیان کرده است. چراکه دین بشر را به سوی برپایی اجتماعی منسجم و منظم و بدور از پراکندگی و بی‌سامانی رهنمون شده و با ارائه عقلانیتی متعالی، انسان‌ها را در مسیر نیل به سعادت و رفاه، به پیش می‌راند. لذا، با در نظر گرفتن مبادی مذهبی تمدن درمی‌یابیم که در تمدن‌های بزرگ، فعالیت‌های اجتماعی، تجارب سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، فکری و فلسفی، برخاسته از نوعی نگاه مذهبی و گرایش دینی بوده و برای جامعه اسلامی، رسیدن به تمدن، بازگشت و عمل به آموزه‌های اسلامی است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۹). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمدپروین گنابادی. تهران: نشر علمی فرهنگی.
- ابن کثیر، عمادالدین (۱۹۶۶م). *البدایة و النهایة*. تحقیق علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۷.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۶۳). *السیرة النبویة*. تحقیق عبدالحفیظ شبلی و همکاران. تهران: انتشارات ایران، ج ۲.
- الدر، جان (۱۳۳۵). *باستانشناسی کتاب مقدس*. ترجمه سهیل آذری. تهران: تور جهان.
- الویری، محسن سیدرضا مهدی‌نژاد (۱۳۹۲). رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی. *تاریخ تمدن اسلامی*، ۹ (۱۸): ص ۱۶۳-۱۹۱.
- بلاشر، رؤی (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آ. آذرنوش. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی، ج ۱.
- بهمنش، احمد (۱۳۶۹). *تاریخ ملل قدیم آسیای غربی*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- تافلر، آلوی (۱۳۸۵). *به سوی تمدن جدید*. تهران: نشر علم.
- ترنر، برایان اس. (۱۳۸۰). *ویر و اسلام*. ترجمه حسین بستان. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۶). *بررسی تاریخ تمدن*. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۹). *حکمت اصول سیاسی اسلام*. تهران: نشر موسسه تدوین و نشر آثار علامه محمدتقی جعفری، ج ۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۵). *تاریخ تحوّل دولت و خلافت*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *جامعه در قرآن*. قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). *انتظار بشر از دین*. قم: نشر اسراء.
- حائری طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت، ج ۴.
- حتّی، فیلیپ خلیل (۱۳۶۶). *تاریخ عرب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات آگاه.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۵۲). *نقش پیامبران در تمدن انسان*. تهران: بعثت.
- حُرّ عاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. قم: تحقیق مؤسسه آل‌ال‌بیت
- لإحیاء التراث، طبع دوم، ج ۱۳، ۱۵.
- حقوقی، عسکر (۱۳۷۴). *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام*. تهران: انتشارات هیرمند.
- حنفی، حسن (۱۳۷۹). *اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آن. نامه علوم انسانی*، ۲.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۸.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن*. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: نشر انقلاب اسلامی، ج ۱.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۱). *کارنامه اسلام*. تهران: نشر امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۵۲). *تاریخ تمدن اسلام*. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.

- سپهری، محمد (۱۳۸۹). *تمدن اسلامی در عصر امویان*. تهران: نشر شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- سوروکین، الکساندر (۱۳۷۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*. رشت: انتشارات حق‌شناس.
- شریعتی، علی (۱۳۸۹). *تاریخ تمدن*. تهران: نشر قلم، ج ۱.
- شیخ الاسلام، جواد (۱۳۶۵). *خداوندان اندیشه*. تهران: امیرکبیر.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹). *سنت‌های تاریخ در قرآن*. ترجمه سید جمال موسوی. تهران: انتشارات روزبه.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۸.
- طبری، محمد بن جریر (بی‌تا). *تاریخ الأمم والملوک*. مصر: دارالمعارف، ج ۳.
- عبدالجلیل (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آ. آذرنوش. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کرین، هانری (۱۳۷۷). *تاریخ فلسفه انسانی*. ترجمه سید جواد طباطبایی. تهران: نشر کویر.
- کریمی، حسین (۱۳۶۱). *فلسفه تاریخ نشر جهاد دانشگاهی*. تهران: انتشارات راهبردی.
- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۳۸۶). *اصول الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱، ۵.
- کولانژ، فوستل دو (۱۳۸۹). *تمدن قدیم*. ترجمه نصرالله فلسفی. تهران: کیهان.
- لوبون، گوستاو (۲۰۰۲). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سید هاشم حسینی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- لوکاس، هنری (۱۳۹۹). *تاریخ تمدن*. تهران: نشر سخن.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۷). *بحار الأنوار*. تهران: اسلامی، ج ۱۱-۱۲، ۲، ۷۵.
- مخلصی، عباس (۱۳۸۰). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. حوزه، ۱۰۵-۱۰۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه و تاریخ*. قم: نشر صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *انسان کامل*. قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. قم: نشر امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱.
- میرچاه، الیاده (۱۳۷۵). *دین پژوهی*. تهران: نشر پژوهشگاه علوم اسلامی.
- نیرگ، هنریک ساموئل (۱۳۵۹). *دین‌های ایران باستان*. ترجمه سیف‌الدین نجم‌الدین غیاث‌آبادی. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶). *عناصر تمدن‌ساز دین اسلام*. معرفت، ۱۲۳: ص ۲۵-۳۹.
- ولاهوس، اولیویا (۱۳۵۷). *درآمدی بر انسان‌شناسی*. ترجمه سعید یوسف. تهران: نشر سهر.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران*. نشر وزارت امور خارجه، ج ۱.
- ولایتی، کریم (۱۳۸۱). *نقش دین در ایجاد و تداوم تمدن*. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)*، ۴۵ (۱۸۳-۱۸۴): ص ۳۰۳-۳۳۴.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶). *نظریه برخورد تمدن‌ها*. تهران: نشر وزارت امورخارجه.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۹۶۱). *تحلیل رؤیا (گفتارهایی در تعبیر و تفسیر رؤیا)*. ترجمه رضا رضایی. تهران: افکار.